

نمونه ای موردی از: تقیه عالمی امامی در دمشق قرن دهم با ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی

دون استوارت، ترجمه محمد کاظم رحمتی

مقدمه

در سراسر تاریخ اسلام شیعیان عمل به کاری که درست فقهی تقیه نامیده می شود، به هنگام حضور در محافل علمی یا برای کاستن از پیامدهای تبعیض های در میان جوامع با اکثریت سنی می کرده اند.^۱ بررسی موارد تاریخی تقیه در خصوص عالمان امامیه نشانگر وجود

۱. از همکاری محمد کاظم رحمتی برای همکاری ارزشمندش برای یافتن منابع این مطالعه سپاسگزارم. این مقاله ترجمه ای است از:

“A Case of Twelver Shiite Taqiyyah in 16th-Century Damascus: Claimed Adherence to the Shāfi‘ī Legal School”

از نویسنده محترم و دوست گرامی دون استوارت که مقاله در دست انتشار خود را برابر ایام ارسال کرد، سپاس فراوان.
دارم. مترجم

۲. در باب تقیه به نحو عام بنگرید به: محمد فوزی، مفهوم التقیة فی الاسلام (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۵)؛ نزیه محیی الدین، التقیة (بیروت: دار القلم، بی تا)؛ علی شملاؤی، التقیة فی إطارها الفقهي (بیروت: شمس المشرق، ۱۹۹۲)؛ فتحیه مصطفی عطوی، التقیة فی الفكر الاسلامی (بیروت: الدار الاسلامیة، ۱۹۹۳)؛ سامی مکارم، التقیة فی الاسلام (لندن: مؤسسة تراث الدروزیة، ۲۰۰۴)؛

Ignaz Goldziher, “Das Prinzip der takijja im Islam,” Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft 59 (1906): 213–26; Rudolf Strothmann, “Takiyya,” Encyclopaedia of Islam, 1st ed., 9 vols. (Leiden: E.J. Brill, 1913–36), 8:628–29; Egbert Meyer, “Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya,” Der Islam 57 (1980): 246–80; Etan Kohlberg, “Some Imāmī-Shī‘ī Views on Taqiyya,”

خصلت‌های مشترکی در عمل به تقیه چون تغییردادن نسبت (شهرت دال بر اصل و نسب، مکان اقامت یا اجداد)؛ پنهان کردن نام مکانی که فرد اهل آنجاست، تغییر در نسب یا حتی تغییر در شیوه لباس پوشیدن است (استوارت، ۱۹۹۶ ب؛ ۲۰۰۳). اسناد نشانگر درگیر بودن عالمان و فقیهان به تقیه، اجازات و کتابهای تقدیم شده به حکام یا حامیان سنتی است (استوارت، ۲۰۰۳). از اوایل قرن چهارم تاریخگار کونی، عالمان امامی به هنگام تقیه خود را پیرو یکی از مذاهب فقهی مشهور اهل سنت معرفی می‌کند. کتابهای تراجم نگاری مواردی از عالمان امامی را ذکر کرده‌اند که ادعای حنفی، شافعی، حنبلی و ظاهري مذهب بودن، داشته‌اند هر چند مذهب عموماً ذکر شده در هنگام تقیه توسط عالمان امامیه، مذهب شافعی است (استوارت، ۱۹۹۷؛ همو، ۱۹۹۸، ص ۶۱-۱۰۹). هر چند مدارک مدلل بر عمل به تقیه بسیار اندک است و در غیاب مدرک صریح دال بر آن، مورخان مستعد مورد تردید قرار دادن اخبار آمده در منابع دست دوم و سوم به عنوان مطالبی محتملاً اغراق آمیز، گزاره گویی، شایعه یا اتهام هستند. مطالعه کوتاه حاضر به بررسی یکی از موارد عمل به تقیه توسط شخصی به نام محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی، عالم و کاتبی از قرن دهم هجری / شانزده میلادی که در دمشق و جبل عامل - مکانی که اکنون در جنوب لبنان است - و شاگرد فقیه برجسته امامی زین الدین عاملی مشهور به شهید ثانی به دلیل شهادتش توسط مقامات عثمانی در ۹۶۵/۱۵۵۸ می‌پردازد.^۱ مدرک یاد شده شاهدی صریح بر ادعای شافعی بودن از

Journal of the American Oriental Society 95 (1975): 395-402; idem, "Taqiyya in Shī'ī Theology and Religion," pp. 345-80 in Secrecy and Concealment: Studies in the History of Mediterranean and Near Eastern Religions, ed. Hans G. Kippenberg and Guy G. Stroumsa (Leiden: Brill, 1995); Devin J. Stewart, "Taqiyyah as Performance: The Travels of Bahā' - al-Dīn al- Āmilī in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)," Princeton Papers in Near Eastern Studies 4 (1996): 1-70; idem, "Dissimulation in Sunni Islam and Morisco Taqiyya," al-Qantara 34.2 (2013): 439-90; Maria Dakake, "Hiding in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy in Shi'ite Islam," Journal of the American Academy of Religion 74 (2006): 324-55.

۱. دریارة زین الدین عاملی به نحو عام بنگرید به: مقدمة رضا مختاری بر زین الدین عاملی، منية المرید في ادب المفيد والمستفيد (قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۹۸۹)، ص ۹-۸۸؛

Devin J. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al- Āmilī," Die Welt des Islams 48 (2008): 289-347; idem, "Investigating the Second Martyr," pp. 10-16 in Muḥammad Kāzim

سوی فقیهی امامی است و شواهد دیگر که دلالت براین دارد عالمان امامیه ناحیه شام عموماً خود را شافعی مذهب به منظور تسهیل حضور خود در جوامع علمی اهل سنت شام داشته اند را تأیید می کند. شاهد اخیر به دانسته های ما در خصوص نقشی که تقطیع در شام تحت سلطه عثمانی هادر قرن دهم هجری به عنوان حفاظی برای مقابله با نزاع در جریان عثمانی با شیعیان امپراتوری صفویه داشته، مطلب تازه ای اضافه می کند.

۲۷۵

ارزیابی و بررسی وضعیت شیعیان در شام قرن دهم هجری / شانزده میلادی موضوع ساده ای نیست. از یک سو شیعیان از شام تحت سلطه عثمانی اخراج یا قلع و قمع نشده اند و جوامع آنها تا روزگار کونی باقی مانده است. دانسته است که عثمانی ها با اشراف محلی شیعه در شام و دیگر مناطق تعامل داشته و آنها را به عنوان جمع کنندگان خراج بدون انگ مذهبی زدن به آنها گمارده اند و از سوی موقوفاتی برای عتبات و مراقد مقدسه شیعه در نجف و کربلا در جنوب عراق معین کرده اند. از سوی دیگر تردیدی در این نیست که عثمانی ها از نظر ایدئولوژیکی و مذهبی با تشیع و شیعیان مخالف بوده اند و در صد حضور شیعیان در طی حاکمیت عثمانی ها بر شام کاهش یافته است. در ایام حکومت فاطمیان و همدانیان شمار شیعیان در بسیاری از شهر های شام چون صور، طرابلس و حلب بسیار بوده است. حلب حتی شاید شهری نیمه شیعه نشین بوده است. این وضعیت با قدرت گیری حکام سنی زنگی، ایوبیان و ممالیک دگرگون شد و همگی آنها برای حذف شیعیان از فضای عمومی و تقلیل دادن شیعیان کوشیدند، کاری که عثمانی هانیز به عنوان سیاست اسلاف خود در خصوص رعایای شیعه شام در پیش گرفتند و ادامه دادند تا شمار جمعیت شیعیان در اکثر شهر های ذکر شده کاهش یافت و تنها حضور شیعیان محدود به نواحی حاشیه ای چون نواحی جبل عامل و دره بقاع شد.^۱

Raîmatî (ed.), *Law in Transmission: The Āmilî Role in the Development of Shi’i Law* (Qum: Academy of Islamic Sciences and Culture, 2009).

۱. در خصوص وضعیت شیعیان در شام تحت سلطه عثمانی بنگرید به:

Marco Salati, “I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana,” *Rivista degli Studi Orientali* 63 (1989): 231–55; idem, “Ricerche sullo Sciismo nell’impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dîn al-Šâhîd al-Tânî a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545),” *Oriente*

عثمانی ها در بیشتر اوقات قرن دهم هجری / شانزده میلادی مشغول نبرد و جنگ با صفویان، تشیع و قزلباش ها بودند که قزلباش هانه تنها استون فقرات قدرت صفویه که تهدید بالقوه برای حاکمیت عثمانی هادر شرق آناتولی محسوب می شدند و به مناقشات چهره ای فقهه ای می داد هر چند ممکن است که ادعاهشود منازعات در اصل بارتالی از تلاش های مداوم برای کنترل راه تجارت ابرایشم به عنوان منبعی برای درآمد و اخذ مالیات بوده است. نیروهای عثمانی صفویان را در چالدران به سال ۱۵۱۴/۹۲۰ شکست دادند و گسترش نفوذ و قلمرو شاه اسماعیل (حکومت ۱۵۰۱-۱۵۲۴) را متوقف کردند. در دوران شاه طهماسب (حکومت ۱۵۷۶-۱۵۲۴) سلطان سلیمان لشکر کشی بزرگ علیه ایران انجام داد. نخستین لشکر کشی در ۱۵۳۶-۱۵۳۴ بود که منجر به فتح عراق عرب و تبریز شد. نیروهای عثمانی از طریق حلب به استانبول بازگشتند. دومین لشکر کشی در ۱۵۴۸-۱۵۴۹ رخ داد و با همراهی برادر شورشی شاه طهماسب، القاص میرزا همراه بود که عثمانی ها ازوی به عنوان آلت دستی برای حمله به ایران استفاده کرده بودند. سومین لشکر کشی عملیاتی گستردگی در ۱۵۵۳-۱۵۵۵ بود. نیروهای عثمانی زمستان ۱۵۵۳-۱۵۵۴ را در حلب بسر برند و متعاقب آن ارزروم و اکثر آذربایجان را اشغال کردند. این لشکر کشی به امضاء معاهده صلح آماسیه در ۱۵۵۵/۹۶۲ آغاز شد.

Moderno 70 (1990): 81–92; idem, Ascesa e caduta di una famiglia di Ašraf sciiti di Aleppo: I Zuhrawi o Zuhra-zada (1600–1700) (Rome: Istituto per l’Oriente C.A. Nallino, 1992); idem “Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on the Shiism in the Holy Places and the Bilad al-Sham (Sixteenth–Seventeenth Centuries),” pp. 123–32 in La Shi'a nell’Impero ottoman (Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, 1993); idem, “Presence and Role of the Sādāt in and from Éabal Āmil (Fourteenth–Eighteenth Centuries),” Oriente Moderno 79 (1999): 597–627; idem, “Shiism in Ottoman Syria: A Document from the Qāḍī Court of Aleppo (963/1555),” Eurasian Studies 1 (2002): 77–84; Andrew Newman, “The Myth of Clerical Migration to Safavid Iran: Arab Shi'ite Opposition to Ālal-Karakī and Safavid Shiism,” Die Welt des Islams 33 (1993): 66–112; Devin J. Stewart, “Notes on the Migration of Āmilī Scholars to Safavid Iran,” Journal of Near Eastern Studies 55 (1996): 81–103; idem, “An Episode in the Amili Migration to Safavid Iran: Husayn b. Abd al-Samad al-Amili’s Travel Account,” Iranian Studies 39.4 (2006): 481–508; Stefan Winter, The Shiites of Lebanon under Ottoman Rule, 1516–1788 (Cambridge: Cambridge University Press, 2010).

منتهی شد که در پی آن صفویان اکثر بخش های آذربایجان را به عثمانی واگذار کردند. معاہدة اخیر تا هنگام مرگ شاه طهماسب در ۹۸۴/۱۵۷۶ پا بر جا بود هر چند روابط میان دو کشور زمانی که شاه طهماسب به شاهزاده بايزید عثمانی که بر پدرش سلطان سلیمان سوریده بود و به ایران آمده بود، پناه داده بود، متشنج شده بود (علوش، ۱۹۸۳).

در حالی که عثمانی ها به حفظ و برقراری امنیت در آناتولی شرقی خاصه میان قبایل و آنچه که می توانست به عنوان نشانی از تنشیع حرکت آفرینی کند، توجه داشتند، شام نیز مورد توجه بود چرا که حلب شاهراه مهم تجارت و عبور کاروان های تجاری بود. عثمانی ها به کسانی که از ایران به قلمرو عثمانی سفر می کردند، که شامل کاروان های هرساله حج مکه نیز می شد، حساس بودند چرا که در کاروان ها جاسوسان و آشوب گران صفوی حضور داشته اند (ابرهارد، ۱۹۷۰؛ کوتوغلو، ۱۹۶۲). چنین حساسیت های بالایی از سوی مقامات عثمانی باید شیعیان شام را به درپیش گرفتن حزم و احتیاط در عرصه های عمومی هویت و اعمال شیعی و داشته باشد که ممکن بوده به عنوان اتهام ارتباطی میان آنها با صفویان یا شیعیان ایرانی تلقی شود.

نسخه ای از کتاب الروضۃ البهیة اثری فقهی در مذهب امامیه

نسخه خطی از کتاب فقهی در مذهب امامیه دلیلی است که محمد بن احمد بن سید ناصر الدین عالمی امامی و شاگرد بلافضل فقیه و عالم برجسته امامی زین الدین عاملی بوده است. نسخه خطی شماره ۲۰۱۷۲ کتابخانه ملی تهران، کتابتی از کتاب دو جلدی زین الدین در فقه یعنی الروضۃ البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شرحی بر کتاب اللمعة الدمشقیة محمد بن مکی جزینی که توسط حاکم مملوکی دمشق در ۷۸۶/۱۳۸۴ به شهادت رسید و به شهید اول در سنت امامیه شهرت دارد، می باشد. از قرن دهم هجری تا کنون شرح اخیر متن متداول درست مدرسی فقه امامیه بوده است.

نسخه مورد بحث به تفصیل توسط جلال الدین همایی در مطالعه ای منتشر شده پس از مرگش اخیرا به همراه مقدمه ای توسط رسول جعفریان منتشر شده است (همایی، ۲۰۱۵).

کاتب این نسخه در انجامه ای که در ادامه آمده در پایان جلد اول نوشته است:

«وافق الفراغُ من تعليقه صبح الثلاثاء يوم العاشر من شهر شعبان المظمم قدره من شهور

سنه سبعة و خمسين و تسعمائه بقلم العبد الفقير الى الله تعالى الخاطى الراجى عفوربه و شفاعة نبيه و ائته محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين العلوى الحسينى العاملى عامله الله بلطفه و عفى عنه بنه و كرمه».

پایان کتابت این مجلد مصادف است با صبح سه شنبه سیزدهمین روز از ماه شعبان المعظمه، مقدر در سال ۹۵۷ بقلم بنده فقیرگاه کار آرزومند عفو خداوند بلند مرتبه و شفاعت پیامبر و امامانش محمد بن احمد بن سید ناصر الدين علوی حسینی عاملی که خداوند بالطفش با او رفتار کند و ازوی در گذرد به بزرگواری و کرمش (الروضۃ البهیة، برگ ۱۵۸ پشت؛ همایی، ۹۷۳-۹۷۰، ص ۲۰۱۵/۱۳۹۴).

تاریخ کتابت مجلد نخست سیزدهم شعبان ۹۵۷/۲۶ آگوست ۱۵۵۰ است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن سید ناصر الدين علوی حسینی عاملی ذکر کرده است. به محل کتابت نسخه اشاره ای نشده است. مشخص است که وی نسخه خود را از روی نسخه اصل زین الدین عاملی کتابت کرده چرا که زین الدین برای وی مطالبی دال بر سمع نسخه توسط شاگرد به هنگام خواندن متن در نزدش و مقابله با اصل برای اونوشته است (همایی، ۹۶۹-۹۷۰، ص ۲۰۱۵/۱۳۹۴). همایی مدعی است که نسخه حاضر نخستین کتابت از نسخه اصل مؤلف بوده است (همایی، ۹۶۹/۱۳۹۴، ص ۲۰۱۵).

به علاوه گواهی سمعاء، زین الدین اجازه کوتاهی دال بر قرائت متن در آخر جلد اول نوشته که نشان می دهد کاتب نه تنها نسخه را با اصل مقابله کرده بلکه کتاب الروضۃ البهیة را نزد مؤلف نیز خوانده است.

«انهاء احسن الله تعالى توفيقه وتسديده واجزل من كل عارض^۱ مزيده وتأييده قراءة وسماعاً وفهمماً و (متناً/ بحثاً)^۲ واستشراحًا في مجالس متعددة آخرها يوم الأحد ثلاثة^۳ خلت

۱. همایی این کلمه را عارفةٌ خوانده است. [همین خوانش صحیح است (ویراستار)].

۲. این کلمه در متنی که همایی آورده، از قلم اقتاده است.

۳. همایی این کلمه را ثلاثةٌ خوانده است. (دشواری هایی در خواندن خط شهید وجود دارد. صورت درست انهاء شهید ثانی چنین است: «انهاء احسن الله تعالى توفيقه وتسديده واجزل من كل عارفةٌ مزيده وتأييده قراءة وسماعاً وفهمماً وبحثاً واستشراحًا في مجالس متعددة آخرها يوم الأحد، ليلاً خلت من شهر جمادی الاولی سنة ثمان و خمسین و تسعمائة من الهجرة الطاهرة النبوية وكتب مؤلفه الفقير الى الله تعالى زین الدین بن على بن احمد حامداً مصلياً مسلماً» مترجم).

من شهر جمادی الاولی سنه ثمان و خمسین و تسععماهه من الهجرة الطاهرة النبویه ولمؤلفه^۱ الفقیر
الى الله تعالى زین الدین بن علی بن احمد حامدأ مصلیاً مسلماً»
خداؤند بلند مرتبه او را توفیق دهد واستوارش نگه دارد، واز هر خیر او را بهره مند کند و
فزوونتر عطا کند و او را مورد تایید خود قرار دهد، خواندن متن رابه قرائت و سمع و فهم و بحث
و شرح دادن آن برایش توسط من به پایان رساند در مجالس متعددی که آخرین آنها روز
یکشنبه سه شب گذشته از ماه جمادی الاولی سال ۹۵۸ از هجرت نبوی پیامبر طاهرش و
نگاشت مؤلف نیازمند درگاه خداوند بلند مرتبه زین بن علی بن احمد در حالی که ستایش گوی
پروردگارش و درود فرستانتنده بروی و ایمان آوردنده به اوست.

سخن از اینکه کاتب نسخه رانزد مؤلف در مجالس مختلفی (المجالس المتعددة) سمع کرده
دلالت دارد که کاتب محمد بن احمد بن ناصر الدین دست کم جلد اول رانزد زین الدین
خوانده است. به علاوه دو تاریخ، یکی تاریخ کتابت نسخه یعنی ۱۳ شعبان ۹۵۷ / ۲۶ آگوست ۱۵۵۰ و تاریخ اجازه زین الدین به شاگردش سوم جمادی الاولی ۱۰ / ۹۵۸ می ۱۵۵۱
متضمن این است که شهید ثانی کتاب را دست کم به مدت فزوونتر از هشت ماه به کاتب
تدریس می کرده است. بر همین ای که در طی آن این دو مشغول خواندن کتاب بوده اند،
احتمالاً دست کم یک سال و نیم بوده چرا که خواندن مجلد اول بیش از هشت ماه به طول
کشیده بود و کتاب مشتمل بر دو جلد است. متأسفانه نسخه حاضر آسیب دیده و انجامه اصل
مجلد دوم افتاده که به احتمال بسیار باید مشتمل بر انجامه دیگر کاتب و شاید اجازه زین الدین
عاملی به کاتب بوده است.

به واسطه دیگر منابع می دانیم که زین الدین از ۹۵۶/۱۵۴۹ تا هنگام شهادتش در نه
سال بعد، در خفا بوده است. این دوره از زندگی و فعالیتهاش در پرده ابیام قرار دارد و اساساً
به این دلیل که شرح حال زندگی او که شاگردش ابن العودی به نام بغیة المرید نوشته، تقریباً
دو سوم از اصل متنش که مشتمل بر احوال زین الدین در سلاهای مذکور بوده، اکنون در دست
نیست (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۲۹۴-۳۲۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ استوارت، ۲۰۰۹). در اکثر نه
سال اخیر زین الدین مشغول به تدریس فقه به شاگردان امامیش در چزین و دیگر روستاهای

۱. همایی عبارت متن را «و انا مؤلفه» خوانده است. (همانگونه که اشاره شد شهید ثانی عبارت کتب رابه صورت
ل کوچکی کتابت کرده است. مترجم).

جبل عامل به صورت پنهانی بوده است. او ممکن است که از اقامات در زادگاهش جمع یا جماع به منظور گریختن از چنگ مقامات اجتناب کرده باشد. او در سال ۹۶۳-۱۵۵۷ / ۹۶۴-۱۵۵۶ در دمشق دستگیر شد اما رهایی یافت. او به کاروان های حج که از دمشق در شوال ۹۶۴ / آگوست ۱۵۵۷ به حجاز می رفتند، پیوست و حج را در همان سال در ذوالحجۃ / اکتبر ۱۵۵۷ به جا آورد و در مکه اقامت گزید و تصمیم گرفته بود با کاروانی که به شام بازمی گشت، بازنگردد. او در اوایل ۹۶۵-۱۵۵۸ در مکه دستگیر شد و به مدت چهل و دو روز در زندان بود سپس به استانبول از طریق قاهره فرستاده شد و در هشتم شعبان ۹۶۵ / ۲۶ مه ۱۵۵۸ به شهادت رسید (استوارت، ۲۰۰۸).

زین الدین تمام هم و غم خود را در این برده از زندگیش به تألیف و تدریس دو کتاب اصلی فقهی اش الروضۃ البهیة و مسالک الافهام اختصاص داده بود. وی به نگارش و تدریس الروضۃ البهیة از ۹۵۶-۱۵۴۹ تا ۹۶۰-۱۵۵۲ اگریشور نباشد، مشغول بوده است. اونگارش مجلد اول الروضۃ البهیة را در اول ربيع الاول ۹۵۶ / ۳۰ مارس ۱۵۴۹ آغاز کرده بود و نگارش آن را در ششم جمادی الثانی ۹۵۶ / ۲ جولای ۱۵۴۹ به پایان رسانده بود. زین الدین نگارش جلد دوم را در ۲۱ جمادی الاولی ۹۵۷ / هفتم ژوئن ۱۵۵۰ به پایان رساند. سید علی صائغ، شاگرد زین الدین و پدر زن یکی از همسران زین الدین، کتابت نسخه ای از الروضۃ البهیة را در پانزدهم صفر ۹۵۸ / ۲۲ فوریه ۱۵۵۱ به پایان رسانده بود و از خواندن آن نزد استادش در سوم جمادی الاولی ۹۵۸ / پنجم ژوئن ۱۵۵۱ فراغت یافته بود. زین الدین اجازه ای برای او به تاریخ ۳۰ جمادی الاولی ۹۵۸ / ۵ ژوئن ۱۵۵۱ نوشته بود. علی بن احمد بن ابی جامع کتابت نسخه ای از الروضۃ البهیة را در ۹۶۰-۱۵۵۲-۱۵۵۳ به پایان برده بود و اجازه ای برای خواندن کتاب از زین الدین احتمالاً در همان سال دریافت کرده بود (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۲۳-۳۲۴). نسخه خطی مورد بحث ماتصویر ارایه شده را کامل می کند و نشان می دهد که زین الدین الروضۃ البهیة را به شاگرد دیگر در همان دوران، مشخصاً یش از هشت ماه میان ۱۳ شعبان ۹۵۷ / آگوست ۱۵۵۰ و سوم جمادی الاولی ۹۵۸ / ۱۰ مه ۱۵۵۱ خاصه تدریس کرده و به احتمال بسیار دستکم برای هشت ماه پس از آن به تدریس خود ادامه داده تا خواندن جلد دوم در ۹۵۹-۱۵۵۲ به پایان رسیده است.

زین الدین گرچه در خفا بود، اما این امکان را داشت که به نحو فشرده به شماری از

شاگردانش تدریس کند. بر اساس وجود چندین نسخه سالم از کتاب الروضۃ البهیة و اثر دیگر نسخه هایی از کتاب فقهی زین الدین یعنی مسالک الافهام باید به احتمال بسیار شمار اندکی از فعالیت های گسترده زین الدین در مجال تدریس باشند. مشخص است که زین الدین مدرسه ای را به شخصه اداره می کرده که به تدریس به فقیهان امامی سطوح بالا اختصاص داشته هر چند او چنین کاری را پنهانی و در خفا انجام می داده است. مدرسه مورد بحث در اکثر ایام دوران اخیر در جزین بوده، جایی که دانسته است زین الدین در ۱۵۴۹/۹۵۶ در آنجا پنهان شده بوده است (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۲۱-۳۲۳). سفرشماری از شاگردان برجسته دیگر نواحی برای تحصیل علم به نزد زین الدین ممکن است که یکی از عواملی بوده که باعث توجه مقامات عثمانی به زین الدین شده است که وی را خطری به حساب آورند.

نسخه الروضۃ البهیة درست شیعی باقی مانده است. در قرن یازدهم هجری در تملک نواده زین الدین، شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین (متوفی ۱۶۹۲-۱۶۹۱/۱۱۰۳) مؤلف کتاب الدر المنشور من المأثور وغير المأثور و دیگر آثار بوده است. شیخ علی جبل عامل را ترک نموده و در میانه قرن یازدهم در اصفهان سکنی گزید.^۱ او برای فرزندش حسین، اجازه روایت کتاب را به تاریخ ۱۶۶۳ آگوست ۱۰۷۴/۲۲ محرم ۱۷ را در آخر جلد اول و اجازه ای دیگر

۱. درباره سرانجام کتابخانه و کتابهای زین الدین بنگرید به:

Stewart, "Ottoman Execution," 295-96.

(شهید ثانی در سفر خود به حجاز در سال ۹۶۴ برخی کتابهای خود را همراه داشته است. شاگرد وی ملا محمود لاهیجانی در سفر اخیر همراه شهید ثانی بود. او در مکه تلاش کرد تا شاید بتواند شهید را نجات دهد. تلاش های او ناکام ماند اما او توانست همه یا شاید برخی از نسخه های شهید ثانی را بدست آورد و دقیقاً دانسته نیست که او آیا نسخه را به وراث شهید بازگرداند یا خیراً ما هر چه هست از آن مجموعه کتابها چند نسخه باقی مانده است. از جمله کتاب شرح تهذیب الوصول سید جمال الدین بن عبدالله حسینی جرجانی موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۶۷۰ که داود بن شمس بن داود بن احمد بن حسن فقیه شیعیانی بغدادی بحرانی از کتابت آن در روز پنجمین هشتم جمادی الثانی ۹۵۲ فراغت حاصل کرده است (مطلوب اخیر تذکر دوست گرامی حجت الاسلام و المسلمين ابوالفضل حافظیان است). همین گونه دانسته است که شهید ثانی به همراه خود مجموعه ای نفیس که بخشی از آن به خط حسین بن عبد الصمد حارثی است و در کتابخانه ملی فارس به شماره ۳۷۰ موجود است، همراه داشته است. بر نسخه شرح تهذیب الوصول همین گونه بر مجموعه ۳۷۰ فارس یادداشتی از ملا محمود بن محمد لاهیجانی است که متذکر شده کتاب از جمله متعلقات شهید ثانی بوده است. مترجم).

در روز بعد برای روایت عام آنچه که در روایت خود داشته، در نخستین برگ از جلد دوم نوشته است (همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۷۳-۹۷۴).^۱ با فرض اینکه شیخ علی متولی کتابخانه خانوادگی خودشان که مشتمل بر کتاب‌های متعلق به کتابخانه خود شهید ثانی بوده، نسخه اخیر اثری عالی و ارزشمند تلقی می‌شده است.

شاگرد زین الدین عاملی

درباره سید محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی در کتابهای تراجم یا دیگر منابع اطلاعات چندانی نیامده است. محمد حر عاملی (متوفی ۱۶۹۳/۱۱۰۴) از وی به گونه‌ای بسیار مختصر در کتاب تراجم نگاریش امل الامل یاد کرده و نام او را السید محمد بن ناصرالدین عاملی کرکی ذکر کرده و در توصیف او گفته: «کان فاضلًاً صالحًاً، حسن الخط من تلامیذ الشهید الثانی» («او فردی فاضل و پارسا و دارای خطی زیبا و از شاگردان شهید ثانی بود (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۸۴؛ سالاتی، ۱۹۹۹، ص ۶۲۵)». توصیف فرد اخیر به سید و اینکه او شاگرد زین الدین بوده و خطی زیبا داشته، دلالت دارد که او همان فرد کاتب نسخه ذکر شده در قبل است هر چند کمی تفاوت در ذکر نام او توسط حر عاملی وجود دارد. در متن چاپ شده امل الامل نام او محمد بن ناصرالدین آمده اما در انجامه نسخه خطی الروضۃ البهیۃ نام وی محمد بن احمد بن السید ناصرالدین آمده است. ظاهرا حر عاملی نام پدر وی یعنی احمد را از قلم انداخته شاید به این دلیل که نام پدر بزرگ شهرت خانواده بود که شاید ابن ناصرالدین بوده است مانند ابن خلدون، ابن جماعه و دیگر نام‌های مشابه خانوادگی. در شرح حال شیخ حر، اشاره ای به تاریخ تولد یا وفات نیامده است. منابع بعدی تراجم نگاری اطلاعات مستقل دیگری ارایه نکرده اند.

امل الامل مشتمل بر مدخلی بسیار کوتاه و مشابه درباره شخصی به نام بدرالدین است که به احتمال بسیار پسر سید محمد است. نام وی سید بدرالدین بن محمد بن ناصرالدین عاملی کرکی ذکر شده و در دونسخه دیگر امل الامل نام وی سید بدرالدین بن محمد بن محمد بن ناصرالدین آمده است (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۴۳، پانویس دوم). مطالب آمده در

۱. الروضۃ البهیۃ، برگ‌های ۱۵۸ رو، ۱۵۹ پشت. همایی نام فرزند رابه خطاط حسن ذکر کرده است.

شرح حال او چنین است: «فاضل، فقيه، صالح، من تلاميذ الشیخ ابن الشهید الثانی» «مردی عالم، فقيه، پرهیزگار و از جمله شاگردان فرزند شهید ثانی یعنی شیخ حسن صاحب معالم بوده است» (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۴۳).^۱ هیچ تاریخ تولد یا وفاتی ذکر نشده اما این مطلب که وی از جمله شاگردان شیخ حسن، فرزند زین الدین (متولد در ۹۵۹/۱۵۵۲، متوفی ۱۱۰۱/۱۶۰۲) بوده نشانگر این است که او به نسلی بعد از شهید ثانی تعلق داشته است. اسمی یکسان هستند هردو سید، و جد هردو ناصرالدین است که نامی نادر است و شهرت هردو فرد کرکی عاملی آمده است. بسیار محتمل است که بدرالدین فرزند سید محمد ذکر شده در قبل باشد.

اطلاعات آمده در نسخه الروضۃ البهیۃ این امر را میسر می کند که متن آمده در امل الآمل را تکمیل کیم: صورت صحیح نام ها ظاهرا باید چنین باشد: محمد بن احمد بن ناصر الدین و بدرالدین بن محمد بن احمد بن ناصر الدین. نام محمد آمده در برخی از نسخه های امل الآمل به صورت محمد بن محمد، به احتمال بسیار باید خطای کاتب در کتابت احمد باشد که به راحتی در کتابت اشتباه می شود.

اختلافاتی در باب شهرت یا انتساب جغرافیایی در نام های هردو فقيه وجود دارد. امل آنها را یعنی پدروپسر را کرکی عاملی معرفی کرده که دلالت دارد هردو عاملی از جبل عامل و کرکی هستند یعنی اهل روستای گرک نوح نزدیک بعلبک در درۀ بقاع. ازنظر جغرافیایی کرک نوح که اکنون در شمال لبنان است بخشی از جبل عامل نیست جز آنکه حر عاملی تعبیر عاملی را به شکل موسعی برای معرفی عالمان شیعه نواحی شام به کاربرده است (سالاتی، ۱۹۸۵). در انجامه الروضۃ البهیۃ محمد بن احمد بن ناصر الدین شهرت خود را الحالی آورده که اشاره ای به شهر حلہ در جنوب عراق است و خود را کرکی یا عاملی معرفی نکرده است. این اختلاف را شاید با در نظر گرفتن این مطلب که خانواده در کرک نوح برای شاید چند نسل سکنی داشته اما اجدادشان در حلة جنوب عراق ساکن بوده اند، برطرف نمود.

۱. این اطلاعات رامیرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، شش جلد، تحقیق سید احمد حسینی (قم: مطبعة الخیام، ۱۹۸۰)، ج ۱، ص ۹۶ و محسن امین، اعيان الشیعه (بیروت: دارالتعارف، ۱۹۸۴)، ج ۳، ص ۵۴۹؛ آقامبرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه: القرن الحادی عشر، تحقیق علینقی منزوی (قم: اسماعیلیان، بی تا)، ص ۷۹ و ۶۱۸. "Sādāt،" تکرار کرده اند.

نکته مهم دیگرآمده در شرح حال شیخ حر عاملی، این مطلب که سید محمد بن احمد بن ناصرالدین خطی زیباداشته است. حر عاملی شاید به واقع نسخه الروضۃ البهیۃ که در اینجا مورد بحث قرار گرفته را دیده باشد چرا که او در اوخر قرن یازدهم هجری در ایران بوده و با شیخ علی کبیر، نواده زین الدین عاملی دوست نیز بوده است. نسخه حاضر یا نسخه های دیگر که حر عاملی در نزد شیخ علی کبیر دیده، باعث شده تاوی تذکر مربوط به خط زیبای سید محمد را متذکر شود.

نسخه های دیگر کتابت شده توسط ابن ناصرالدین

شماره دیگری از نسخه هایی که این عالم کتابت کرده در کتابخانه های ایران موجود است که اطلاعات بیشتری درباره فعالیتهاش در اختیار ما قرار می دهد. آقابزرگ نوشه که نسخه ای دیگر اثر مهم زین الدین در ققه یعنی کتاب مسالک الافهام راه مین شخص کتابت کرده و تاریخ کتابت آن ۹۵۱-۱۵۴۴ بوده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۷). اگر تاریخ درست باشد، باید نسخه مذکور تنها جلد اول از مجموعه هفت جلدی کامل کتاب باشد. دانسته است که زین الدین مجلد اول کتاب مسالک الافهام را در سوم رمضان ۹۵۱/۱۸ نوامبر ۱۵۴۴؛ جلد دوم را در اول ربيع الاول ۹۵۶/۳۰ مارس ۱۵۴۹؛ جلد سوم را در ربيع الاول ۹۶۳/زانویه - فوریه ۱۵۵۶؛ جلد چهارم را در اوخر جمادی الثانی ۹۶۳/اوایل می ۱۵۵۶ و فصل در باب قسم را در رمضان ۹۶۳/جولای - آگوست ۱۵۵۶؛ جلد ششم را در ذوالحجہ ۹۶۳/اکتبر - نوامبر ۱۵۵۶ و مجلد هفتم را در ربيع الثانی ۹۶۴/فوریه ۱۵۵۷ تألیف کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۳، ج ۲۰، ص ۳۷۸؛ رضا مختاری، ۱۹۸۹، ص ۳۰-۳۱).^۱ نسخه

۱. آقابزرگ طهرانی، الذریعة الى تصانیف الشیعه، بیست و هفت جلد (بیروت: دارالااضواء، ۱۹۸۳)، ج ۲۰، ص ۳۷۸؛ مختاری مقدمه بر منیه المرید، ص ۳۰-۳۱. (در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۰۵۱۹ نسخه ای از کتاب کافی در ۴۵۲ برگ موجود است که بخشی از آن توسط فخر الدین احمد بن محمد شیرازی - از آغاز نسخه تا پایان کتاب الجهاد و یک برگ از کتاب التجارة به خط نسخ خوش ریز با تاریخ فراغت از کتاب جمادی الاولی ۹۹۲ و کتاب التجارة، کتاب النکاح و بخشی از کتاب الطلاق تابرج ۲۸۷ با نسخ درشت و به خط محمد بن احمد بن ناصرالدین الحسینی العاملی در نجف اشرف کتابت شده است. پس از برگ ۲۸۷ به بعد باز کتاب نسخه شخص دیگری است و در جایی روز پنجم شنبه ۵ صفر ۹۹۵ در نجف (برگ ۲۹۹) و بخشی باز توسط فخر الدین احمد بن محمد شیرازی در روز پنجم شنبه اول پانزدهم شوال ۹۹۱ (برگ ۲۶۳) کتابت شده

مسالک کتابت شده متضمن این است که محمد بن احمد بن ناصرالدین به مدت طولانی نزد زین الدین به تحصیل مشغول بوده است یعنی از ۹۵۱/۱۵۴۸ تا دست کم ۹۵۹/۱۵۵۹ حدود نه سال. وی باید شاگرد بسیار نزدیکی به استادش بوده یعنی حلقه نزدیکان شهید ثانی. می‌توان حدس زد که تبحراً در کتابت باعث شده بود که او برای استادش به عنوان شاگردی برجسته تر همچنین شماری از همقطارانش مورد توجه قرار گیرد.

نسخه ۲۱۸۹ کتابخانه ملک در تهران که مجلدی از اجزاء کتاب تهذیب الاحکام از کتب اربعه شیعه و تأليف محمد بن حسن طوسی (متوفی ۴۶۰/۱۰۶۷) می‌باشد. محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی از کتابت آن در ۲۶ ذی الحجه ۹۶۱/۲۲ نوامبر ۱۵۵۴ فراغت حاصل کرده است (ایرج افشار و دیگران، ۱۹۷۳-۲۰۰۱، ج ۱، ص ۱۸۴).

رضامختاری مطلب دیگری آورده که نشان از ارتباط سید محمد بن احمد بن ناصرالدین با زین الدین عاملی دارد. در ظهر نسخه ای از کتاب الروضة البهیة که اکنون در کتابخانه آستانه مقدسه قم موجود است مطلبی درباره اینکه زین الدین در هفدهم رمضان ۹۶۵/جولای ۱۵۵۸ به شهادت رسید، به نقل ازوی آمده است. عالمی که این مطلب را ثبت کرده، متذکر شده که اونسخه را از روی دست خط محمد بن احمد بن سید ناصرالدین حسینی کتابت کرده است. نسخه در هشتم محرم ۱۰۸۷/۱۶۷۶ مارس توسط عبدالباقي بن عبدالباقي بن رضی الدین محمد حسینی ارتیمانی تویسرکانی کتابت شده و او گفته که نسخه اساس کتابتش نسخه‌ای بوده که محمد بن احمد بن سید ناصرالدین حسینی در ۲۵ شعبان ۹۶۳/سوم

است. تاریخ‌های آمده در بخش‌هایی از نسخه که توسط محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی عاملی کتابت شده به ترتیب چنین است: پایان کتاب المعيشة (برگ ۲۲۰ ب) (...وکبه بیده العبد الفقیر الراجح عفوریه القدیر محمد بن احمد بن ناصرالدین الحسینی بالمشهد المعظم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یوم الاحد المبارک سالعشرین من شهر ذی القعده الحرام من شهور سنہ اربع و مئانین و تسعمائۃ هجریة علی مشرفها افضل الصلة والسلام والحمد لله رب العالمین وصلی اللہ علی محمد وآلہ الطیین الطاهرین وسلم تسليماً كثیراً)؛ پایان کتاب النکاح (برگ ۲۷۰ ب) (وافق الفراغ من هذا الكتاب المبارك يوم الخميس المبارک خامس یوم من شهر صفر مفتتح سنۃ خمس و مئانون و تسعمائۃ هجریة علی مشرفها افضل الصلة والسلام بالمشهد الغروی علی ساکنها افضل الصلة والسلام... وکبه بیده العبد الفقیر محمد بن احمد بن ناصرالدین الحسینی العاملی بالمشهد الغروی علی ساکنها افضل الصلة والسلام). به نظر می‌رسد که او در اواخر عمر خویش در نجف اقامت گزیده است. بنگرید به: فریبا افکاری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱ش)، ج ۱۹، ص ۷۰۸-۷۰۹. مترجم).

جوای ۱۵۵۶ کتابت کرده است (مختاری، ۱۹۸۹، ص ۱۵؛ دانش پژوه، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲).

نسخه شماره ۴۸ کتابخانه قائن مشتمل بر مجلدی از کتاب کافی مجموعه مشهور حدیثی شیعه تألیف محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۹۴۱/۳۲۹) است که مشتمل بر باب المعيشة تا طلاق است و توسط ابن ناصرالدین در دهم ربیع اول ۹۶۴ / نهم می ۱۵۵۷ کتابت شده است (اشکوری، ۲۰۰۲، ص ۴۴).

نسخه ۷۴۴۹ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم، مشتمل بر مجلد اول از مجلدات هفت گانه کتاب فقهی زین الدین مسالک الافهام است که محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی کتابت کرده است. تاریخ کتابت آن اوخر ذوالقعدة ۹۶۸ / میانه آگوست ۱۵۶۱ (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۱۹، ص ۲۵۳-۲۵۴).

نسخه ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلد دوم کتاب مسالک الافهام است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی حلی ذکر کرده و تاریخ فراغت از کتابت را ۲۵۳ - جمادی الاولی ۹۷۱ / دهم ژانویه ۱۵۶۴ ذکر کرده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۲۰، ص ۲۵۰).

نسخه ۳۸۲۰ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم یکی از مجلدات کتاب کافی کلینی است که مشتمل بر باب نکاح تا ایمان (قسم) است. در انجامه، محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی گفته که کتابت کتاب رادر صفر ۹۸۰ / ژوئن - جوای ۱۵۷۲ آغاز کرده و کتابت آن رادر ۲۳ شوال ۹۸۰ / ۲۶ فوریه ۱۵۷۳ به پایان رسانده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۱۵، ج ۱۰، ص ۱۹۸). در همان سال، ۱۵۷۲-۱۵۷۳ / ۹۸۰ محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی مجلدی از دیگر کتب اربعه شیعه در حدیث یعنی الاستبصار شیخ طوسی که اکون به شماره ۵۳۴۵ در کتابخانه ملک هست را کتابت کرده است (ایرج افشار، ۱۹۷۳-۲۰۰۱، ج ۱، ص ۳۶).

نسخه ۹۳۸۴ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلدی از کتاب من لا يحضره الفقيه، مجموعه ای حدیثی از کتب اربعه تألیف ابن بابویه (متوفی ۹۹۱/۳۸۱) است که در پنجم ربیع الاول ۹۸۱ / پنجم جوای ۱۵۷۳ توسط محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی علوی کتابت شده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۰۱، ج ۲۴، ص ۱۶۷-۱۶۶).

آقابزرگ طهرانی از وجود نسخه‌ای دیگری خبر داده که توسط محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی عاملی کتابت شده است. نسخه اخیر کتابتی از کتاب تراجم نگاری شیعه، کتاب الرجال تألیف کشی (حیات قرن چهارم هجری / دهم میلادی است) که عبدالحسین امینی (متوفی ۱۳۹۰/۱۹۷۰) مؤلف کتاب الغدیر، در تهران دیده و آن را به مجموعه کتابهای کتابخانه امیر المؤمنین در نجف افزوده است. تاریخ کتابت نسخه چهارشنبه نهم صفر ۹۸۴ هشتم می ۱۵۷۶ است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۷).^۱

۱. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه: احیاء الدائرون من القرن العاشر، تحقیق علی نقی منزوی (قم: اسماعیلیان، اسماعیلیان، بی‌تا)، ص ۲۲۷. (نسخه ۹۳۸۴ کتاب من لا يحضره الفقيه که در ۹۸۱ از کتابت آن فراغت حاصل کرده از جهات دیگری نیز اهمیت دارد. در پایان جزء اول کتاب کاتب در اشاره به پایان کتابت نسخه نوشته است: «وانفق الفراغ من نسخة هذا الكتاب المبارك المعظم قدرة نهار الثناء يوم الخامس والعشرين من شهر المحرم الحرام من شهور سنة أحد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلة والسلام بقلم العبد الفقير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسيني نسباً غفر الله تعالى له ولوالديهما ولجميع المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات آمين رب العالمين». ابن ناصر الدين در پایان جزء دوم در انجامه باز خود را چنین معرفی کرده است: «تم الجزء الثاني من كتاب من لا يحضره الفقيه تصنیف الشیخ السعید الفقيه ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی قدس الله روحه ونور ضریحه بقلم العبد الفقیر الراجی عفوربه القدیر محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسینی العلوی يوم الاثنين سایع يوم من شهر صفر سنة أحد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلة والسلام والحمد لله وحده وصلی الله علی محمد وآلہ الطیبین الطاهرین». در پایان جزء چهارم نیز آمده است: «فرغ من نسخ اسایید هذا الكتاب العبد الفقیر الراجی عفوربه القدیر محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسینی يوم الاحد المبارک يوم الخامس من شهر ربیع الاول من شهور سنة أحد وثمانين وتسعمائة هجرية علی مشرفها افضل الصلة والسلام وصلی الله علی محمد وآلہ وصحبہ وسلم تسليماً كثیراً آمين يا رب العالمین». براساس تاریخ انجامه ها کتابت دوره چهار جلدی کتاب من لا يحضره الفقيه تقریباً سه ماه به طول کشیده است یعنی از محرم تاریخ الاول. مکان کتابت نسخه ذکر نشده است اما تعبیر آمده در انجامه آخر «وصحبہ» شاید نشان از کتابت نسخه در محیطی سنی نشین داشته باشد اما مهم این است که نسخه در تلک سید علی بن حسین بن ابی الحسن داماد شهید ثانی بوده که ظاهرادر آن ایام در دمشق اقامت داشته است. در پایان جزء سوم انتهاء مقابله توسط سید علی بن ابی الحسن حسینی عاملی آمده اما تاریخ مقابله ذکر نشده است (قوبل هذا الجزء بنسخ متعددة لا تخلو عن صحة، فصح الا ما زاغ عنه البصر و حسر عنہ النظر والله الحمد و المنة على تمام التوفيق لذلک وكتب على بن ابی الحسن الحسینی العاملی). همان دست خط در پایان کتاب المشیخة در پایان جزء چهارم آمده و تاریخ داراست اما بخشی از تاریخ انتهاء مقابله پاک شده اما ظاهر اسال باید همان ۹۸۱ باشد و براین اساس شاید بتوان گفت که ابن ناصر الدين و سید علی بن ابی الحسن نسخه را با نسخه هایی دیگر مقابله کرده اند (قوبل هذا الكتاب من اوله الى آخره بنسخ متعددة لا تخلو من صحة.. الا ما زاغ عنہ النظر و حسر عنہ البصر و ذلك في مجالس متعددة آخرهاربع الآخرسته احد - پاک شده و باید ثمانین

نسخه‌های اخیر نشانگر آن است که محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی در کارکتابت بسیار فعال بوده و نه تنها کتاب‌های استادش زین الدین عاملی بلکه دیگر کتابهای اربعه حدیثی شیعه و دیگر آثار مهم درست فقهی امامیه را کتابت کرده است. باقی بودن شمار فراوانی از نسخه‌هایی که او کتابت کرده، دلالت دارد که او کاتبی متبحر و حرفه‌ای بوده و نسخه‌هایی که او کتابت کرده ارزش بالایی داشته و سزاوار نگهداری بوده‌اند. بسیار محتمل است که کتابهای دیگری که وی کتابت کرده در کتابخانه‌های ایران و دیگر جاها باقی مانده باشد که اگر چنین باشد، باید پذیرفت که کتابهای بسیاری از کتابت‌های او باقی مانده و کتابهای بسیار دیگری از کتابت‌های او در گذر زمان از دست رفته‌اند. او موهبتی برای جامعه عالمان امامی روزگارش در شام و جبل عامل بوده و مقام خاصی در حقله شاگردان زین الدین به دلایل مختلف داشته است.

نسخه‌های خطی موجود نشانگر آن است که وی به عنوان فردی کاتب از ۹۵۱/۱۵۴۴- تا ۹۵۱/۱۵۴۵ احتمالاً بشکلی مداوم ۹۸۴/۱۵۷۶ تا ۹۸۴/۱۵۷۶ به کارکتابت مشغول بوده، دوره‌ای بیش از سی سال یعنی هم در حیات و سپس پس از شهادت استادش زین الدین. هر چند وی مسلمًا شاگردی در فقه امامیه بوده شاهدی براینکه او خود تأییفی نیز داشته، بدست نیامده است. تاریخ درگذشت وی باید بعد از ۹۸۴/۱۵۷۶ باشد و احتمالاً حدود ۹۳۵/۱۵۲۸- ۹۳۵/۱۵۲۹ یا اندکی قبل تردیده به جهان گشوده باشد اگر وی در ۹۵۱/۱۵۴۴- ۹۵۱/۱۵۴۵ مشغول تحصیل فقه بوده باشد.

وی عموماً نام خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی ذکر کرده است و گاهی السيد یا العلوی را نیز به آن افزوده است. نسبت حلی که سید ابن ناصرالدین در انجامه نسخه

و تسعه‌ائمه باشد - حامدًا مصلیاً مسلمًا). نسخه در اختیار برخی دیگر از افراد خاندان ابی الحسن بوده و قلکات و بلاغ‌های مختلف مقابله در ادوار بعدی نیز برآن هست. درباره اینکه نسخه‌های متعدد مورد اشاره سید علی بن ابی الحسن چه بوده در پایان جزء اول در کتاب انجامه ابن ناصرالدین یکی از کسانی که نسخه را در اختیار داشته به خطی ریترنوشه شده است: «بلغ مقابله و تصحیحاً بحسب الطاقة بنسختان صحیحین مقابلین نسخة الشیخ حسن بن زین الدین الشهید الثانی قدس سرهما و ذکر انه عنده وقت مقابلتها خمس نسخ والحمد لله». شاید عبارت اخیر از شیخ علی کبیر باشد که به تاریخ دوم ذی الحجه ۱۰۹۱ بлаг سمعانی برای سید کمال الدین بن حیدر حسینی عاملی در برگ آخر نسخه نوشته است. نسخه اخیر نشان از ارتباط ابن ناصرالدین با خاندان ابی الحسن از بیوتات اشراف شام است. مترجم).

الروضۃ البهیة که در ۹۵۷-۹۵۸ / ۱۵۵۱-۱۵۵۰ میلادی برای خود آورده بانسبتی که در نسخه ۷۹۲۲
کتابخانه آیت الله مرعشی قم که مشتمل بر مجلد دوم کتاب مسائل الافهام زین الدین عاملی
است و تاریخ کتابت آن ۲۵ جمادی الاولی ۱۵۶۴ / ۱۰ ژانویه ۱۹۷۱ است، تأیید می شود. در
نسخه اخیر او خود راحمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی حلی معرفی کرده است.^۱ نکته
نامشخص این است که وی چند مدتی از عمرش رادرحله - شهری در جنوب عراق -
گذرانده است، یا اینکه در آنجا به دنیا آمده و در جوانی آنجا اترک کرده یا آنکه در جایی دیگر
به دنیا آمده اما اجدادش اهل حله بوده اند. این واقعیت که حر عاملی نسبت کرکی را برای او و
فرزندش به کار برده متضمن این است که دست کم آنها برای مدت طولانی در کرک نوح -
مکانی نزدیک بعلبک - اقامت داشته اند.

نسخه ای از کتاب القاموس المحيط محمد بن یعقوب فیروزآبادی

نسخه ای دیگر که محمد بن ناصرالدین کتابت کرده، نشانگر آن است که وی
خود را بر مذهب فقه شافعی معرفی می کرده است. نسخه شماره ۳۴۲ کتابخانه ملی ملک که
نسخه ای از کتاب لغت مشهور القاموس المحيط تألیف محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی
۸۱۷ / ۱۴۱۴) است که محمد بن احمد بن السید ناصرالدین آن را کتابت کرده است. انجامه
کاتب در آخر کتاب چنین است:

«...نجز القاموس المحيط والقاموس الوسيط على يد العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد
بن السيد ناصر الدين الحسيني نسبياً، الشافعى مذهباً، بمدينة دمشق المحسنة آخر نهار الأربعاء
مسييه ليلة الخميس المبارك تاسع يوم من شهور شوال المبارك من شهور سنة احدى وسبعين و
تسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلة والسلام على اشرف الخلق واكمـل الخلـق محمد
صلـى الله عليه وآلـه وسلم تسلـيـماً كثـيراً...» (برگ ۵۹۲ رو).

«کتابت این نسخه از کتاب القاموس المحيط و القابوس الوسيط به دست بنده ناچیز
خداآوند بلند مرتبه محمد بن احمد بن سید ناصرالدین حسینی نسب و شافعی مذهب در شهر
دمشق خداوند نگهدارش باشد در پایان روز چهارشنبه و آغاز شب پنجشنبه مبارک نهم ماه

۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۰، ص ۲۵۰.

شوال مبارک از سال‌های ۹۷۱ هجری که بر صاحب تشرف بخشیدن به آن برترین درودها و سلامها بر اشرف و کاملترین بندگان محمد که صلوات خداوند وسلامش بر او پیوسته و مدامیم باد، به پایان رسید».

نسخه انجامه ای دیگر نیز دارد که مشابه انجامه نخست است جز در سال ذکر شده: تاریخ در اینجا نهم شوال ۹۷۲ (برگ ۵۹۳ رو) آمده است. محتمل ترین توضیح برای این مطلب آن است که کاتب در ذکر سال خطأ کرده و بار دیگر انجامه را با ذکر تاریخ درست نوشته است. تاریخ صحیح برای فراغت از کتابت نسخه براین اساس نهم شوال ۹۷۱ / بیست می ۱۵۶۴ نیست بلکه نهم شوال ۹۷۲ / ۱۰ می ۱۵۶۵ است. هر چند عموماً در انجامه محل کتابت نسخه ذکر نمی شود اما در اینجا به صراحت مکان کتاب نسخه دمشق ذکر شده است. کاتب به احتمال بسیار همان کاتب نسخه الروضۃ البهیة است که در قبل از او سخن رفت چرا که دست خط نیزیکی است.

تردیدی در این مطلب که محمد بن احمد بن ناصر الدین عالمی امامی مذهب است، نیست. او فقه امامیه را در سال‌های بسیاری نزد زین الدین عاملی خوانده از جمله کتابهای اصلی فقهی استادش الروضۃ البهیة و مسالک الافهام. او در ارتباط بسیار نزدیک با زین الدین در ایامی که وی در خفا بسرمی برده، بوده است. تمام کتابهایی که در قبل از آنها سخن رفت جملگی آثار رسمی درست امامیه بوده اند و او آنها را پیش و بعد از کتاب قاموس کتابت کرده است. فروتنر آنکه او و فرزندش بدraldین به عنوان عالمانی شیعه توسط حر عاملی در امل الامل ذکر شده اند (یعنی که تردیدی در تشیع آنها نیست). محتملترین نتیجه برای شاهد و مدرک ارایه شده این است که او زمانی که کتاب القاموس المحيط را کتابت می کرده، تقدیمه کرده (و خود را شافعی معرفی کرده) است. او کاتبی خبره بوده که نسخه ای از این اثر متدائل را برای فروش احتمالاً به عالمان سنّی کتابت کرده است. نسخه بعدها در میان حلقات های عالمان سنّی چون گروهی از قضات عثمانی تداول داشته و در اختیار آنها بوده است. نسخه بر نسخه دلالت دارد که یکی از مالکان درویش زاده خلیل جودت (حیات قرن یازدهم هجری) قاضی از میر بوده است. نسلک دیگری از حاجی ولی الدین بن حاج احمد زاده، قاضی مکه بر نسخه موجود است. نسخه را شخصی به نام محمد بن خلیل بغدادی به مکه در ۱۱۴۴/ ۱۷۳۱-

۱۷۳۲ بردہ است.^۱ مشخص نیست کہ در چہ زمانی نسخہ سراز ایران درآورده است. دو مطلب در خود معرفی آمده در انجامه دلالت بر تقطیع دارد. نخست حذف نسبت متداول توسط کاتب است که تنها نسبت اجدادی خود حسینی را آورده است که دلالت براین دارد او سید و از نوادگان امام حسین علیہ السلام است. وی نسبت کرکی خود را که حر عاملی به آن اشاره کرده، رانی اورده است که معرف آن است که وی اهل کرک نوح است و ممکن بوده تشیع خود را به دلیل ذکر آن آشکار کند. همچنین نسبت حلی رانیز نیاورده که در انجامه الروضۃ البهیۃ آورده که آن نیز باید به سبب اجتناب از معرفی خود به عنوان فردی شیعی بوده باشد. این شیوه با آنچه که از دیگر اسناد دال بر تقطیع در اختیار داریم، هماهنگ است. به عنوان مثال حسین بن عبدالصمد عاملی (متوفی ۹۸۴/۱۵۷۶) شاگرد برجسته زین الدین عاملی و فرزند بسیار مشهور حسین بن عبدالصمد، بهاء الدین عاملی نسبت اجدادی خود الحارثی الهمدانی اشاره به جدشان حارث بن عبدالله اعور همدانی (متوفی ۶۸۴/۶۸۵) از اصحاب مشهور علی بن ابی طالب علیہ السلام را به جای ذکر نسبت الجبعی یا العاملی در هنگام عمل به تقطیع ذکر کرده اند و شهید اول از به کار گیری نسبت جزئی در معرفی خود اجتناب کرده و به جای آن از شهرت ولقب دمشقی برای معرفی خود استفاده کرده است (استوارت، ۱۹۹۶، ص ۴۶-۴۷؛ همو، ۱۹۹۷، ص ۱۸۰-۱۸۱).

دیگر مطلب دال بر تقطیع، عمل بسیار مشهور این است که ابن ناصر الدین به صراحة خود راشافعی مذهب یکی از چهار مذهب رسمی اهل سنت در روزگارش معرفی کرده است. این مدرک همچنین دیگر شواهد پیروی از مذهب فقهی شافعی که عالمان امامی هنگام تقطیع خود را به آن معرفی می کردند را تأیید می کند. دیگر شاهد صریح و روشن در باب پیروی از مذهب فقهی شافعی نسخه ای از کتاب نور الحقیقہ و نور الحدیقہ کتابی در اخلاق اسلامی است که حسین بن عبدالصمد تألیف کرده است. در نسخه ای از کتاب که به سلطان سلیمان عثمانی تقدیم شده و کتابت آن در استانبول به تاریخ دوازدهم ذوالقعدہ ۹۴۵/اول آوریل ۱۵۳۹ به پایان رسیده، حسین بن عبدالصمد خود را «حسین بن عبدالصمد الشافعی الحارثی الهمدانی» معرفی کرده است (استوارت، ۱۹۹۷، ص ۱۶۹-۱۷۶). بافرض اینکه ابن ناصر

۱. ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه و دیگران، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۱۳ (تهران: کتابخانه ملی ملک، ۱۹۷۳-۲۰۰۱)، ج ۱، ص ۵۵۹-۵۶۰.

الدین کاتبی کثیرالکتابه بوده محتمل است که مانسخه های دیگری از کارهای کتابت شده توسط اورا با همین ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی بیاییم.

شواهد تفصیلی دیگری که عالمان امامی در شام تحت تسلط عثمانی خود را شافعی معرفی می کرده اند، در دست است. زین الدین عاملی و شاگردش حسین بن عبد الصمد هردو نزد عالمانی از اهل سنت دمشق و مصر تحصیل کرده بودند. در مصر آنها فقه اسلامی رانزد فقیهان برجسته شافعی خوانده بودند و بنظر محتمل غی رسید که آنها موفق به انجام چنین کاری شده باشند جز آنکه ادعای اهل سنت بودن و پیروی از یکی از مذاهب فقهی را کرده باشند. هر دو در ۱۵۴۶/۹۵۲ به استانبول سفر کرده بودند و تقاضای دریافت سمت تدریس فقه در مراکز علمی را به مقامات رسمی اداری عثمانی داده بودند و هردو سمت هایی را به دست آورده بودند؛ زین الدین استاد تدریس فقه در مدرسه نوریه بعلبک شده بود و حسین استاد فقه در مدرسه ای در بغداد سمتی که او از پذیرش آن سرباز زده بود. از آنجایی که مدرسه نوریه نهادی متعلق به شافعیان بود، معقول است که تصور کیم زین الدین باید خود را در استانبول فقیه شافعی معرفی کرده باشد. او تدریس در مدرسه نوریه را در ۹۵۳-۱۵۴۶ رها کرده و ترک کرده بود.^۱ زمانی که زین الدین برای بار نخست در دمشق حدود

¹ Stewart, "Iusayn b. YAbd al-Namad al-YAmilD's Treatise for Sultan Suleiman," 169-76; Salati, "Il Viaggio di Zayn al-DDn."

(عبد الغنی بن اسماعیل نابلسی (متوفی پنجم شعبان ۱۱۴۳) در ۲۲ ربیع الاول ۱۱۱۲ سفر خود به طرابلس را ز دمشق آغاز کرد و بخشی از مطالب مربوط به سفر خود را در اثری با عنوان التحفة النابلسية فی الرحلة الطرابلسية، حققه و قدم له هرییرت بو سه (بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقية، ۲۰۰۳) پیش از ربیع الاول ۱۱۱۳ تدوین کرده است. وی دیداری از کرک نوح و مزار منسوب به نوح نبی در آنجاداشته و از متولی آن مقام که از سادات آل مرتضی بوده، یاد کرده و اشاراتی درباره او آورده و گفته که به همراه او در جامع کبر کرک نوح غاز جمعه را بر مذهب شافعی خوانده است (ثم إننا صليتا الجمعة على مذهب الإمام الشافعى في هذا الجامع الكبير الذي هو جامع قرية الكرك...) (التحفة النابلسية، ص ۱۱۱). سادات آل مرتضی متولیان رسمی مقام نوح در کرک نوح بوده اند و در وقفیه امیر محمد بن ناصر الدین معروف به حنش نیز از متولی مقام که فردی به نام سید علوان بن سید علی بن علی بن حسین (متوفی بعد از ۹۴۵) بوده، به عالی شافعی از خاندان آل مرتضی (قدوة علماء السادة الشافعية) یاد شده است. بنگرید به: حسن عباس نصر الله، تاریخ کرک نوح (دمشق، ۱۹۸۶/۱۴۰۶)، ص ۱۷۴؛ محمد عدنان بختیت، «دور أسرة آل الحنش والمهام التي أوكلت إليها في ريف دمشق الشام ۷۹۰هـ/ ۱۳۸۸م - ۱۵۶۸هـ / م دراسة وثائقية»، همو، دراسات فی تاریخ بلاد الشام: سوريا ولبنان (دمشق، ۲۰۰۸)، ج ۳، ص ۷۶ مترجم).

۱۵۵۷/۹۶۴ دستگیر شد، گزارش شده که او قاضی حنفی شام، حسن بیگ افندی (متوفی ۱۵۷۶/۹۸۴) را با ذکر عبارت ترضیه بر صحابه پیامبر از جمله ابوبکر و عمر و پاسخ دادن باین که وی شافعی مذهب است هنگامی که از مذهب فقهی او پرسش شده بود، به سنّی بودن مقاعده کرده بود (بلک بورن، ۲۰۰۵، ص ۲۰۸-۲۱۰؛ استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۳۳، ۳۳۶-۳۶۷). مثالهای دیگری از چنین ادعای مشابهی از شیعیان همین منطقه البته نه در زمان مورد بحث فعلی در دست است. گفته شده که محمد بن مکی در محکمه خود در دمشق در ۱۳۸۴/۷۸۶ خود را شافعی معرفی کرده است (امین، ۱۹۸۴، ج ۱۰، ص ۶۰). بسیاری از افراد خانواده‌های اشراف و سادات در ناحیه که در خفاشیعه بوده اند در هنگام معرفی خود را شافعی مذهب معرفی کرده اند (سالاتی، ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۹). زمانی که فقیه سنّی مذهب عبدالغنى نابلوسی (متوفی ۱۷۳۱/۱۱۴۳) از کرک نوح در ۱۷۰۰/۱۱۱۲ دیدار کرده، او شریف شیعه از خاندان آل مرتضی راستایش کرده و گفت او و شریف بر اساس مذهب شافعی غاز گزارده اند (وینتر، ۲۰۱۰، ص ۲۹). نسخه القاموس الحیط فیروزآبادی شاهد دیگری برای ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی در میان شاگردان زین الدین در اختیار ما قرار می‌هد و دلالت دارد که آنها و بسیاری از علمان شیعه جبل عامل و نواحی مجاور در این دوران عموماً چنین ادعایی می‌کرده‌اند و عمل به تقویه شیوه‌ای مرسوم و متداول بوده است.

ادعای شافعی بودن در مواردی دست کم فراتراز تنها بیان شفاهی چنین پیروی بوده است. زین الدین عاملی و حسین بن عبد الصمد عاملی فقه و اصول فقه رانزد برجسته ترین فقیهان شافعی قاهره خوانده و اجازاتی که نشانگر آن باشد، دریافت کرده بودند. به واقع هر دو در فقه شافعی تبحر داشته اند. در انجام چنین شیوه‌ای، آنها از همان سنت کهن متداول در میان امامیه خواندن فقه نزد اهل سنت که فقیهان برجسته‌ای چون علامه حلی (متوفی ۱۳۲۵/۷۲۶) و شهید اول پیروی کرده اند (استوارت، ۱۹۹۷). محتمل است که محمد بن احمد بن ناصر الدین نیز فقه شافعی رانزد عالمان سنّی همچون زین الدین خوانده باشد، اما منابع چنین تصريح آشکاری را در بین ندارند. شاید هم ادعای شافعی بودن تنها شکرگی برای دور کردن سوء ظن گرایش مذهبی او بود یا تظاهر به تستن تنها به خاطر جلب نظر خریداران سنّی برای خریدن نسخه ازوی بوده باشد. با این همه اگر روابط بسیار نزدیک او با استادش زین الدین که تنها هفت سال قبل شهید شده بود را در ذهن داشته باشیم، وی ممکن است که

احساس خطر جدی کرده باشد.

برخی مورخان نقش تقیه در زندگی روزمره شیعیان لبنان در دوره عثمانی را کم اهمیت می‌دانند و معتقدند که زندگی پنهانی زین الدین عاملی و حتی شهادت او و سفرهای بهاء الدین عاملی به شام، مصر و حجاز حوادثی غیر طبیعی بوده است. اشتfan ویتر می‌نویسد که چنین اموری دلالت بر خصوصیت وعداوت عمومی علیه شیعه ندارد (ویتر، ۲۰۱۰، ص ۲۰-۲۶). در حالی که دو مورد ذکر شده مواردی استثنائی هستند و شیعیان در لبنان و شام تحت سلطه عثمانی با دشواری های مدام مواجه نبوده اند، شیوه هایی که آنها یعنی شهید ثانی و شیخ بهایی برای معرفی خود بدان متول شده اند، باعث ترغیب کردن شیعیان و عقیده رایج لزوم عمل به تقیه که شامل ادعای پیروی از مذهب شافعی بوده، احتمالاً در میان جوامع شیعه بسیار متداول بوده باشد.

پنهان

کتابشناسی

منابع منتشر نشده:

زین الدین عاملی، مسالک الافهام، نسخه خطی شماره ۷۹۲۲ کتابخانه آیت اللہ مرعشی
نجفی، قم، ایران.

همو، الروضۃ البهیۃ، نسخه خطی شماره ۲۰۱۷۲ کتابخانه ملی ایران، تهران.

محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، نسخه خطی شماره ۳۴۲ کتابخانه ملی
ملک تهران.

محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، نسخه خطی شماره ۴۸ قائی ایران.

همو، الکافی، نسخه خطی شماره ۳۸۲۰ کتابخانه آیت اللہ مرعشی نجفی قم ایران.

ابن بابویه قمی، کتاب من لا يحضره الفقيه، نسخه خطی شماره ۹۳۸۴ کتابخانه آیت اللہ
مرعشی نجفی قم ایران.

محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، نسخه خطی شماره ۵۳۴۵ کتابخانه ملک، ایران
تهران.

همو، تہذیب الاحکام، نسخه خطی شماره ۲۱۸۹ کتابخانه ملک تهران ایران.

منابع اولیه:

محمد بن حسن حر عاملی، امل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی (نجف، ۱۳۸۵/۱۹۶۵).

میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی
(قم، ۱۴۰۱/۱۹۸۰).

تحقیقات:

ایرج افشار، محمد تقی دانش پژوه و دیگران، فهرست کتابخانه ملک (تهران، ۱۹۷۳-۲۰۰۱).

Allouche, A. (1983) *The Origins and Development of the Ottoman-
Nafavid Conflict (906-62/1500-1555)*, Berlin.

محسن امین، اعیان الشیعہ، تحقیق حسن امین (بیروت، ۱۹۸۴).

Amir-Moezzi, M.A. (2001) "Dissimulation", in Jane MacAuliffe (ed.),
Encyclopaedia of the Qur'an, Leiden, vol. I, 320-24.

Amir-Moezzi, M.A. (2014) "Dissimulation tactique (*taqiyya*) et scellement de la prophétie (*khatm al-nubuwwa*) (Aspects de l'imamologie duodécimaine XII)", *Journal Asiatique* 302.2, 411-38.

فتحیه مصطفی عطوی، التقیة فی الفکر الاسلامی (بیروت، ۱۹۹۳).

Blackburn, R. (2005) *Journey to the Sublime Porte: The Arabic Memoir of a Sharifian Agent's Diplomatic Mission to the Ottoman Imperial Court in the Era of Suleyman the Magnificent: the relevant text from Qu'Ob al-Dīn al-Nahrwāl I's al-Fawā' id al-saniyyah fī al-ri'lāh al-madaniyyah wa-l-rūmiyyah*, Beirut.

Dakake, M.M. (2006) "Hiding in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy in Shi'ite Islam", *Journal of the American Academy of Religion* 74, 324-55.

محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم (قم، ۱۹۷۶).

De Smet, D. (2011) "La pratique de *taqiyya* et *kitmān* en islam chiite: compromis ou hypocrisie", in M. Nachi (ed.), *Actualité du compromis. La construction politique de la différence*, Paris, 148-61.

Eberhard, E. (1970) *Osmanische Polemik gegen die Safawiden im 16. Jahrhundert nach arabischen Handschriften*, Freiburg im Breisgau.

محمد فوزی، مفهوم التقیة فی الاسلام (بیروت، ۱۹۸۵).

Goldziher, I. (1906) "Das Prinzip der *takijja* im Islam", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 59, 213-26.

جلال الدین همایی و رسول جعفریان، «شرحی درباره نسخه الروضۃ البهیۃ فی شرح اللمعۃ الدمشقیۃ کتابت شده در زمان حیات شهید ثانی با یادداشت های او»، جشن نامه آیت الله شیخ ابراهیم امینی، به کوشش رسول جعفریان (قم، ۱۳۹۴ ش/۲۰۱۵)، ص ۹۶۵-۹۷۸.

احمد حسینی و محمود مرعشی و دیگران، فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیت الله مرعشی (قم، ۱۹۷۵-۲۰۱۵).

سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه قائن (قم، ۱۳۸۱ ش/۲۰۰۲).

Kohlberg, E. (1975) "Some Imāmī-Shī'ī Views on *Taqiyya*", *Journal of the American Oriental Society* 95, 395-402.

Kohlberg, E. (1995) "Taqiyya in Shī'ī Theology and Religion", in Hans G. Kippenberg and Guy G. Stroumsa (eds.), *Secrecy and Concealment: Studies in the History of Mediterranean and Near Eastern Religions*, Leiden, 345-80.

Kütükoğlu, B. (1962) *Osmanlı-İran siyâsi münâsebetleri, 1578-1590*, Istanbul:.

سامی مکارم، التقطیع فی الاسلام (لندن: مؤسسه التراث الدرزی، ۲۰۰۴).

Meyer, E. (1980) "Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya", *Der Islam* 57, 246-80.

نزیه محیی الدین، التقطیع (بیروت، بی تا).

رضامختاری، مقدمه بر زین الدین عاملی، منیة المرید فی أدب المفید والمستفید (قم، ۱۹۸۹).

Newman, A. (1993) "The Myth of Clerical Migration to Safavid Iran: Arab Shi'ite Opposition to 'Alī al-Karākī and Safavid Shiism", *Die Welt des Islams* 33, 66-112.

Salati, M. (1985) "Le nisbe geografiche del *Kitâb amal al-âmil fî dhikr 'ulamâ ' Jabal 'Âmil'*", *Cahiers d'Onomastique Arabe* (1982-84), 57-63.

Salati, M. (1989) "I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana", *Rivista degli Studi Orientali* 63, 231-55.

Salati, M. (1990) "Ricerche sullo Sciismo nell'impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dîn al-Şâhîd al-Tâni a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)" *Oriente Moderno* 70, 81-92.

Salati, M. (1992) *Ascesa e caduta di una famiglia di Ašraf sciiti di Aleppo: I Zuhrawi o Zuhra-zada (1600-1700)*.

Salati, M. (1993) "Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on the Shiism in the Holy Places and the Bilâd al-Shâm (Sixteenth-Seventeenth Centuries)," in *La Shi'a nell'Impero ottoman*, Rome, 123-32.

Salati, M. (1999) "Presence and Role of the Sâdât in and from Éabal Yâmil (Fourteenth-Eighteenth Centuries)", *Oriente Moderno* 79, 597-627.

Salati, M. (2002) "Shiism in Ottoman Syria: A Document from the Qââd Court of Aleppo (963/1555)", *Eurasian Studies* 1, 77-84.

علی الشملانی، التقطیع فی إطارها الفقهی (بیروت، ۱۹۹۲).

Stewart, D.J. (1996a) "Notes on the Migration of Yâmil Scholars to Safavid Iran", *Journal of Near Eastern Studies* 55, 81-103.

Stewart, D.J. (1996b) "Taqiyyah as Performance: The Travels of Bahâ al-Dîn al-Yâmil in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)", *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 4, 1-70.

Stewart, D.J. (1997) "Íusayn b. Abd al-Nâmad al-Yâmil's Treatise for Sultan Suleiman and the Shî'î Shafî'î Legal Tradition", *Islamic Law and Society* 4, 156-99.

Stewart, D.J. (1998) *Islamic Legal Orthodoxy: Twelver Shiite Responses to the Sunni Legal System*, Salt Lake City.

Stewart, D.J. (2003) "Documents and Dissimulation: Notes on the Performance of Taqiyya", in Cristina de la Puente (ed.), *Identidades*



Marginales. Estudios Onomásticos-Biográficos de al-Andalus, XIII,
Madrid, 569-98.

Stewart, D.J. (2006) “An Episode in the ʻAmili Migration to Safavid Iran: Husayn b. ʻAbd al-Samad al-ʻAmili’s Travel Account”, *Iranian Studies* 39.4, 481-508.

Stewart, D.J. (2008) “The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-ʻĀmilī”, *Die Welt des Islams* 48 (2008): 289-347.

Stewart, D.J. (2009) “Investigating the Second Martyr”, in Muḥammad Kāzim Rāmatī (ed.), *Law in Transmission: The ʻĀmilī Role in the Development of Shiʻi Law*, Qum, 10-16.

Stewart, D.J. (2013) “Dissimulation in Sunni Islam and Morisco *Taqiyya*,” *al-Qanṭara* 34.2, 439-90.

Strothmann, R. (1913-36) “Takiyya”, *Encyclopaedia of Islam*, 1st ed., Leiden, vol. VIII, 628-29.

آقابزگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعہ (بیروت، ۱۹۸۳).

همو، طبقات اعلام الشیعہ: احیاء الداشر من القرن العاشر، تحقیق علی نقی منزوی (قم، ۱۹۸۷).

Winter, S. (2010) *The Shiites of Lebanon under Ottoman Rule, 1516-1788*, Cambridge.

العمرية فـَلَا تجعله هُوَ أَيْنَ يَرَى فِيهِ حِسَابًا وَالحمد لله رب العالمين
فَقُولُكِ مِنْ أَعْظَمِ خَطَايا طَرْفِ الْمُبَرِّئِهِ فَالصَّلَوةُ إِذَا أَدْأَمَ الْأَكْلَانَ تَلَى حِسَابٍ وَصِيقَنَهُ وَخَلِيلَهُ
وَبَنِيهِ وَمُحَمَّدُ الَّذِي لَمْ يَرْضِ لِبِيَانَ اسْتِعْمَالِهِ مِنَ الْمُصْبِحِ جَهَنَّمَ وَبِنَهْرِ الْمَاءِ الْأَصْوَرِ وَأَنَّ
يُوَصِّلُ إِلَيْكُمْ مَا تَدْعُونَ إِنَّ دُقَبَّسَنِهِ يَعْدُنَا وَإِنَّهُ يُصْلِي إِلَى الْوَارِزِ لِجَهَنَّمَ فَلَا يَلْقَى دُرْسَنَاهُ وَرِبَّتِهِ
الْعُوْجُومُ عَوْنَوْنَ فَعَدَ الْعَرَبُ وَالرِّيقُ وَسَلَمَ تَلِيهِ إِكْتَاهُ دَائِعًا إِلَيْهَا إِلَيْهَا الْمُعَرِّجُ

رَأْقَمُونَ طِيفَانَا بُوْكَلَمُ طِيفَانَا

عَلِيٌّ الْعَبْدُ الْفَقِيرُ لِلَّهِ تَعَالَى عَذْرُكَ بِتَسْمِيدِ تَاصِ الدِّينِ مُحْمَدُ
الشَّافِعِيَّ دَفَعَهُ أَمْرِيَّةً دُمْسَقَ وَسَرَّاجِهَا لِلْأَنْجَوَا، مُسْتَبِيلَةً
الْعَدْلِيَّ الْأَكْرَادِ تَاسِمَ وَرَسْنَهُ سَوْلَانِيَّا وَصَفَرَهُ سَنْدِلَهُ

وَسَعَى بِهِ مُؤْمِنٌ عَلَى مُنْزَقِهِ أَفْتَلَ الْعَيْنَ

فَلِمَّا كَانَتْ زَلْدَهَيَّتْ الْمَالِكَ

الشّفاعة

الطبعة

الْمُتَّهِيْرُ فَوْزِي وَجَعْلَهُ نُورًا بَعْنَ يَدِكِي وَهِيْ جَاهِيْ بِالْمُهَمَّةِ وَهِيْ مُبْتَدَأ
الْمَالِيْنَ عَلَى يَقْتَلَهُ الْمُؤْفَزُ وَهِيْ لَكَ عَلَيْهِ
عَوْظَاتِ الْمُتَّهِيْرِ وَالْمُتَّهِيْرِ وَالْمُتَّهِيْرِ الْمُكْلَمُ عَلَيْهِ وَصَفَيْهِ وَغَطِيلُهُ وَيَتِيْهِ
الْذَّلِيْلُ يَقْتَلُ بَيْانَ اسْتِهْنَاتِهِ وَنَسْتِهْنَاتِهِ جَهَنَّمُهُ وَنَسْتِهْنَاتِهِ إِلَيْهِ
وَنَقْرَبُهُ يَقْتَلُهُ بَعْثَتِهِ وَأَنْهِيْلُهُ عَلَى أَنْهِيْلِهِ قَاتِلُ الْمُكْبِرِ أَنْ بُوْحُ سَلَادِيْلُهُ
الْمُرْبِّيْلُهُ بَعْثَتِهِ وَأَنْهِيْلُهُ قَاتِلُ الْمُكْبِرِ أَنْ بُوْحُ سَلَادِيْلُهُ
الْمُرْبِّيْلُهُ بَعْثَتِهِ وَأَنْهِيْلُهُ قَاتِلُ الْمُكْبِرِ أَنْ بُوْحُ سَلَادِيْلُهُ
بَعْضُ الْقَامَاتِ الْمُعْجِزَاتِ وَالْمُنْبَشِّرَاتِ
عَلَيْهَا الْقَدَرُ الْقَدَرُ الْمُهَمَّةُ هَذَا مَا حَدَّدَنَا السَّيِّدُ نَاصِرُ الدِّينُ الْمُشَرِّيْفُ وَالْمُعْلَقُ
وَالْمُؤْمِنُ بِهَا مَدِيْرُ مِسْنَةِ الْمُرْسَلِيْنَ أَخْرَجَهُ الْأَدَبُ، مَسِيْدُ الْمُجَاهِدِينَ
الْمَبَارِكُ تَاسِعُهُمْ مِنْ تَكْرِيْلِ الْمَلَائِكَةِ مِنْ تَهْوِيْسِهِمْ مِنْ تَهْوِيْسِهِمْ
تَدْعَاهُمْ عَلَيْهَا الْقَدَرُ الْقَدَرُ الْمُهَمَّةُ وَأَتَرَ السَّكِّمُ مِنْ تَهْوِيْسِهِمْ
وَأَشْرَقَ الْمُنْقَعَ عَلَيْهِ أَصْوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَبَاهِيْا كَثِيرًا
لِلْمُهَنَّدَةِ بِهَا الْمَلَيْلُ وَهَنَى اللَّهُ
عَلَيْهِ سَرِّهَا الْمَلَيْلُ وَصَبَّهُ
وَتَلَاهِيْلُهُ

